

آرمان پذیری خانواده مکتب فاطمی

<"xml encoding="UTF-8?">

چکیده

الگوپردازی از سیره ی حضرت فاطمه زهرا (س)، بهترین طریق معرفت به خطوط اساسی خانواده ی آرمانی است. مکتب فاطمی (س) به لحاظ تعالی برقراری اتحاد عقل عملی با عقل نظری، این قابلیت را دارد که با مراجعه به آن بتوان به معارف جزئی در پرتو معارف کلی دست یافت و در همه ی امور زندگی از آن بهره جست. نوشتار حاضر، در راستای شناخت مهمترین عوامل تحکیم خانواده، ابتدا مقدمات و مبانی آن را در سنت و نگرش حضرت زهرا (س) به بحث می گذارد و به مباحثی همچون بینش توحیدی فاطمه (س) نسبت به خانواده، بر صواب بودن مقدمات ازدواج و اعتماد و اطمینان به دوام ازدواج می پردازد و سرانجام در بیان عوامل تحکیم خانواده در جلوه های رفتاری و گفتاری حضرت زهرا (س)، مسائلی از قبیل تدبیر در حسن سلوک با همسر، حمایت و دفاع از همسر، حفظ مراتب حجاب، تقسیم کار در خانواده و... را مورد بحث قرار می دهد.

تاریخ، موطن حادثه ها و زمان، بستر ظهور و بروز پدیده هاست؛ پدیده هایی که دم به دم به سان قطره یا موجی به سواحل تاریخ برخورد کرده و محو می شوند. در این میان، آن دسته از وقایع و حوادثی که ریشه در اخلاص و توحید دارند، باقی مانده و موجی برخاسته از ناپیداکرانه ی موجودیت آن ها، در بستر تاریخ، ساری و جاری می شود؛ چنان که جهاد عاشوراییان، همه روزها و همه زمین ها را دربرگرفت و در همه عوالم درخشید. جلوه های رفتاری فاطمه (س) در محیط خانه و خانواده نیز جهادی دیگر بود که لوحی از اندیشه و حسن سلوک را در برابر همه قرون و اعصار گشود. وقتی چنین زنی پا به خانه بخت می گذارد و بر عرش همسری و مادری می نشیند، لحظه لحظه ی حیاتش، تاریخ و جغرافیای آرمانی ترین خانواده را رقم می زند و سرای او در سراسر تاریخ، اسوه می شود.

اخلاص، مهمترین سرّ جاودانگی حیات فاطمه (س) است. فاطمه (س) از حیات و ممات خویش، جز خداوند، اراده نفرمود. حضرت (س) موفق ترین بانوی هستی در کامروایی از زندگی، عشق همسر و فرزند بود و از آن جا که حیات خانوادگی خود را نیز برای خداوند می خواست، چنین دعا می فرمود:

«... احینی ما عملت الحیاة خیراً لی و توفي لی اذا کانت خیراً لی، اللهم انی اسألك کلمة الاخلاص...» (مجلسی،

1404ق: ج 91، ص 225)، «خداوند، مادامی که می دانی در زندگی من خیری است، مرا زنده بدار و آن زمان که

مرگ برای من بهتر است، مرا بمیران. خدای من، من از تو کلمه ی اخلاص را مسئلت دارم.»

معمولاً زنانی که از کانون خانواده ارضا شده و کامروایند، چنان به زندگی دل می بندند و از آن خرسندند که آن را با چیز دیگری معامله نمی کنند؛ ولی فاطمه (س)، حیات خود را با خداوند معامله کرد. وی در همه ی اعمال و

رفتارش جز محبت و رضایت دوست، چیزی در نظر نداشت و تحقق این معنا را از درگاه دوست تقاضا نموده و می

فرمود: «اللهم انی اسئلك بماتحب و ترضی.» (شیخ الاسلامی، 1377: ص 227) فاطمه (س) عشق و محبت به

همسر و فرزندان را نیز، در ظلّ محبت خداوند طلب می کرد؛ چنان که در مقام نیایش با خداوند که منتهای

آرزویش بود، این سان مناجات می کرد: «اللهم اجعلنا ممن كانه يراک الي يوم القيامة الذي فيه يلقاک و لاتمتنا الا علي رضاك. اللهم واجعلنا ممن اخلص لك بعلمه و احبك في جميع خلقه...» (مجلسي، 1404ق: ج 87، ص 338)، «خدایا! مرا قرار بده از کسانی که تو را تا روز قیامت (که در آن روز همه مشاهده ات می کنند) در نظر دارند و ما را به جز بر حال رضایت خودت نمیران. خدای من، ما را از کسانی قرار بده که عمل خودشان را برای تو خالص می نمایند و تو را در همه ی خلائق دوست دارند.»

فراز شریف «واحبك في جميع خلقه»، با تحلیل عرفانی، حائز نکات بسیار بلند توحیدی است و نشان دهنده ی این معناست که این بانوی موحد و مخلص، خداوند را در مظاهر خلقی می دیده و محبت او به مظاهر خلق نیز به واسطه ی حب ذاتی به ذات ظاهر بوده است، نه به مظهر؛ یعنی حد واسط محبت فاطمه (س) به همسر و فرزندان نیز، چیزی جز محبت خداوند نبوده است.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

حضرت (س) در اوج علاقه ی بسیار زیادی که نسبت به همسرش، علی (ع)، داشت، در فرازهایی از سخنان و مناجاتش پرده از لایه های درونی قلب خود برمی دارد و می فرماید: «یا رب لیست من احد غیرک تتلج بها صدري و تسرّ بها نفسي و تقربها عینی»، «خداوند، هیچ احدی به جز تو سینه ام را خنک نمی کند و نفسم را مسرور و شادمان نمی نماید و هیچ کس جز تو چشم مرا روشنی نمی دهد.» (قیومی، 1374: ص 48)

حضرت فاطمه (س) در زندگی خانوادگی، هر وقت تقاضایی داشت، آن را با رضایت خدا می سنجید و رضایت خدا را بر رضایت خویش مقدم می دانست. به عنوان نمونه، در یک حاجت مشروع، مثل تقاضای خادم، وقتی با پیشنهاد پیامبر (ص) مبنی بر جایگزین نمودن اذکار و تسبیحات به جای خادم مواجه می شود، چنین می فرماید: «رضیت عن الله و رسوله، رضیت عن الله و رسوله، رضیت عن الله و رسوله.» (شیخ بهایی، 1411ق: ص 49) ایشان سه بار می فرماید: «من به آن چه که خدا و رسول (ص) راضی اند، رضایت می دهم.»

فاطمه (س) محبت فرزندان و پاره های قلب خود را نیز با خداوند معامله می کرد. چنان که وقتی پیامبر (ص) ایشان را از ماجرای شهادت امام حسین (ع) و واقعه ی خونبار کربلا آگاه فرمود، فاطمه (س) کلمه استرجاع را بر زبان جاری کرد و گریست و آن گاه فرمود: «یا ابة! سلّمت و رضیت و توکّلت علی الله» (کوفی، 1410ق: ص 55)، «پدرم، من تسلیم شدم و رضایت دادم و به خداوند توکل می کنم.»

مسلم است کسی که همه ی وجودش و همه ی محبتش را با رضایت خدا معامله می کند، به آن جا می رسد که خداوند رضایت او را ملاک رضایت خود و غضب وی را معیار غضب خود قرار می دهد.

بینش فاطمی در انتزاعی ترین لایه های فلسفی و معرفتی، با مسائل عینی و واقعیت های ملموس در ارتباط است. ابعاد نظری شخصیت جامع حضرت فاطمه (س) با عرصه ی مسائل خانوادگی و همسراری ایشان، پیوندی ناگسستنی و معنی دار دارد. حضرت فاطمه (س) الگوی جامع شخصیت زن مسلمان اسوه ای است که همه ی مناسبت های استغراق در بحر توحید و وحدانیت را با تمامی شئون مربوط به عالم کثرت جمع کرده است. وجود بی کرانه ی حضرت فاطمه زهرا (س)، مجموعه ای صالح و کامل از تجسم همه ی خوبی ها و زیبایی ها است.

یکپارچگی و وحدت شخصیت در وجودهای مبارک و متعالی، در چنان اوجی است که همه ی حرکات و سکنات در

پرتو آن، یک معنای خاص پیدا می کند و آن معنی چیزی جز عبودیت و عشق ورزی به حقیقت الحقایق نیست. معنای احترام به همسر و رحمت بر فرزندان، در وجود حضرت فاطمه (س)، معنایی جز احترام به خالق و رحمت بر جلوه های او ندارد. بنابراین، نظام رفتاری فاطمی در شئون خانوادگی، متشکل، منسجم و یکپارچه است. بخش توحیدی این نظام، مجموعه ای دقیق است که در آرمانی ترین اشکال، سازمان یافته است و بین اجزای این رفتار، هیچ نوع خلل، تضاد و تضاربی وجود ندارد و به همین جهت، سازمان نظام مند سیره ی فاطمی در شئون خانوادگی، این قابلیت را دارد که بتوان از آن قوانین عمومی و خصوصی را انتزاع نمود. روابط کوچک و بزرگ داخلی یا خارجی این سازمان رفتاری، الله محوری است و خداوند در همه ی شبکه های ارتباطی، جلوه های فعل و قول و تقریر فاطمی حضور دارد. در کانون خانه و خانواده وی، خدا موج می زند و پروردگار عامل مهم بستگی همه ی اجزای اندیشه فاطمی است. عاملی که سبب جامعیت عمل و نظر در وجود حضرت فاطمه (س) می شود، فقط و فقط خداوند است.

اغلب شخصیت ها تنها در محدودی از سویه ها و زمینه های وجودی خود به بلوغ می رسند و از آن جا که دارای اعتدال و جامعیت نیستند، نمی توانند از معارف نظری خود در رابطه با کم و کیف انجام اعمال مدد گیرند. بنابراین، چون حیطه ی عقل نظری و عقل عملی ایشان از هم جدا است، نمی توانند معرفت کلی را با معارف جزئی درآمیزند و هرچند که در وادی اندیشه پیشتازند، لیکن در عرصه و میدان عمل توانمند نیستند؛ اما در شخصیت های متعالی، از آن جا که به اتحاد عقل عملی و عقل نظری رسیده اند، معارف جزئی در پرتو معارف کلی روشن می شود.

نوشتار حاضر درصدد است تا با بیان قوانین منتزع از سیره ی فاطمی (س) که سبب تحکیم خانواده می شود، نمادی برای تشکیل خطوط اساسی یک خانواده آرمانی ترسیم کند.

مبانی و مقدمات تحکیم خانواده در نگرش و سنت حضرت زهرا (س)

الف) بینش توحیدی فاطمه (س) نسبت به خانواده

حضرت فاطمه (س) در والاترین درجات بینش توحیدی به سر می برد. این بانوی «غیب و شهود» و این ملکه ی «بود و نمود»، هر حسن مرتبتی را در سلوک خانوادگی، مرهون بینش توحیدی می دانست. زیرا چنان که اشاره شد، معرفت کلی و معرفت جزئی در گستره ی شناخت فاطمی هیچ گسستی ندارد. وجود نازنین فاطمه (س) از آن جا که تاج شهزادگی در ساحت دیدگاه توحیدی بر سر داشت، به الهام ربوی، بر تمام رمز و رازهای کدبانوگری و تدبیر منزل احاطه یافت و خود در این رابطه می فرماید: «الحمد لله الذي لم يجعلني متحيرة في امر من اموري»، «حمد خدایی را که مرا در هیچ یک از اموراتم متحیر و سرگردان نگذاشت.» (قیومی، 1374: ص122)

در مقام صدیقین، موحد همه حقایق را در پرتو حق مطلق ملاحظه می کند و جز یار در دیار هستی، دیاری نمی بیند. صدق، عامل انکشاف بعضی از حقایق و کشف مغیبات برای صدیقین است؛ چنان که حضرت یوسف (ع) در پرتو مقام صدیقیت خویش، صور مثالی حقایق جزئی را در رویاها و منامات دریافت می فرمود و البته غیر از تعبیر خواب، بر علوم دیگری نظیر علم مملکت داری و حفظ خزاین نیز اشراف داشت. از اثرات وضعی مقام صدیقیت این است که صدیق در مقام امور جزئی و شئون عالم کثرت نیز، از آگاهی های ژرف و حکمت های شگرفی برخوردار می شود.

حضرت فاطمه (س) داراي بالاترين مرتبه ي صديقيّت است. از اين رو، وجود مبارك ايشان به «صديقه كبري» لقب يافت. امام صادق (ع) در اين باره مي فرمايد: «هي صديقه الكبري و علي معرفتها دارت القرون الاولى»، «حضرت فاطمه (س) صديقه كبري است و عصرها و نسل هاي پيشين بر محور شناخت و معرفت او مي گردد.» (مهاجر، 1413ق: ج 1، ص 65) برحسب اقتضاي اين مقام، ايشان در زمينه ي حڪمت عملي، بيشتري اشراف را به رموز تدبير منزل، همسرداري و تربيت فرزند داشتند و سيره ي خانوادگي ايشان نيز، آرمانی ترين آيين ها و روش ها بوده است.

يكي از بنياني ترين و ريشه دارترين مباني تحكيم خانواده اين است كه بينش زن و مرد نسبت به خانواده، بينشي توحيدى باشد. پيشينه ي ازدواج، خواستگاري، ملاك هاي همسرگزيني، مهر، جهاز و... همه و همه در زندگي فاطمه (س) توحيدى است و نور الهي سراسر عناصر و شاخصه هاي زندگي خانوادگي حضرت (س) را مي پوشاند و اين پيام را در سرسراي تاريخ همه همسران، طنين انداز مي نمايد كه ركين ترين و استوارترين عماد در استحكام زندگي خانوادگي را مي بايست در عرصه ي بينش توحيدى جستجو كرد.

فاطمه (س) جز خدا را نمي ديد و در همه لحظات حيات پاكش، جز خدا و رضايت وي را طلب نمي كرد. شئونات زندگي او نيز در سايه سار خدادوستي و خداپرستي، بالنده مي شد. خود درباره ي احوال توحيدى و عرفاني اش مي فرمايد: «شغلني عن مسئلته لذّة خدمته، لاجاة لي غيرالنظر الي وجهه الكريم» (دشتي، 1375: ص 99)، «لذتي كه از خدمت حضرت حق مي برم، مرا از هر خواهشي باز داشته است و حاجتي جز اين ندارم كه پيوسته ناظر جمال زيبا و والاي خداوند باشم.»

اين چنين محبت خداوند، نهاني ترين لايه هاي دل لاهوتي فاطمه (س) را سرشار نموده بود و حب همسر و فرزند در پرتو محبت خدا براي وي تفسير مي شد؛ چنان كه اصل انتخاب علي (ع) به همسري نيز، جز داعيه ي اخلاص نبود. از اين رو، هنگامي كه به واسطه ي انتخاب علي (ع)، در معرض طعن زنان قريش قرار گرفت، عرض حالي به خدمت حضرت رسول (ص) برد و آن گاه سر به آسمان بلند كرد؛ لبخند زد و فرمود: «رضيت بما رضي الله و رسوله»، «راضي شدم به آن چه خدا و رسول خدا (ص) به آن راضي اند.» (شيخ الاسلامي، 1377: ص 273) و روزي كه علي (ع) از وي پرسيد: چرا از رنج گرسنگي و بي طعام ماندن خانه، وي را باخبر نكرده است؛ آن بانو در پاسخ نفرمود كه علي جان من از تو شرم مي كنم؛ بلكه فرمود: «يا ابالحسن! اني لاستحيي من الهي ان اكلف نفسك مالا تقدر عليه»، «اي ابالحسن! من از خدای خود شرم مي كنم كه به تو تكليفي كنم كه تو قادر بر انجام آن نيستي.» (همان)

(ب) بر صواب بودن مقدمات ازدواج

يكي از علل مؤثر در تحكيم خانواده، خالي بودن پيشينه ي ازدواج و مقدمات آن از خلل و فساد است. هرچه نور خدا، نور محبت و صداقت در اين پيشينه شعله ورتر باشد، اميد اين كه اين نور در سراسر زندگي مشترك زوجين تجلي كند، بيشتري است. چنان چه يكي از عوامل مهم تزلزل خانواده ها، مورد مطالعه قرار گيرد، روشن مي شود كه در بسياري از ازدواج هاي ناموفق، مقدمات غلط و نابجا يي وجود داشته كه بذر سياهي ها و كدورت ها را حتي قبل از ازدواج در زمين آن افشانده است. مروري اجمالي بر زندگي حضرت فاطمه (س) نشان مي دهد كه ممهّدات ازدواج ايشان در كمال تعالي و نورانيت بوده اند. در ذيل به نمونه اي از آن ها اشاره مي شود:

1. رضایت زوجین نسبت به اصل ازدواج

اگر در اندیشه ی یکی از زوجین، ناخشنودی و نارضایتی از اصل ازدواج وجود داشته باشد، این عامل، تأثیرات منفی بسیاری در زندگی مشترک باقی خواهد گذاشت. هم چنین اگر این خشنودی و رضایت، رضایتی الهی نباشد، باز هم این ازدواج، ریشه ی مستحکمی نخواهد داشت. بنابراین، اگر دختری با اجبار خانواده ازدواج کند و خود تمایلی به آن نداشته باشد یا به واسطه علاقه و میل به مال، جاه و جمال مردی، همسر وی شود، در حالی که به لحاظ دین و خلق از او رضایتی ندارد، این ازدواج، ازدواج ممدوحی نمی تواند باشد و سبزی صلح و مودت در آن دیری نخواهد پایید. حضرت فاطمه (س) رضایت خود را از ازدواج با علی (ع) این گونه اعلام می فرماید: «رضیت بما رضی الله و رسوله» (دشتی، 1375: ص 29)، «من به آن چه که خدا و رسول خدا (ص) راضی اند، راضی و خشنودم.»

کاوش در پهنای و ژرفای این عبارت شریف، تبیین کننده ی این حقیقت است که رضایتی که مقدمه ی ازدواج است، در صورتی سبب تحکیم خانواده خواهد بود که رضایتی الهی و خدایسندانه باشد. مفهوم عکس این قضیه شرعی نیز حجیت دارد و با قراین روایی مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. به تعبیر دیگر، مفهوم عکس این قضیه با منطوق کتاب و سنت، تنصیص شده است. چنان که روایات زیادی مشتمل بر این مضمون، در جوامع حدیثی وارد گردیده که اگر کسی به داعیه ی جمال و مال با کسی ازدواج کند، مال و جمال از او زایل می شود. وقتی عواملی گذرا و بی پایه، ریشه ی یک پیوند قرار گیرند، آن پیوند، با اولین باد خزانی افسرده خواهد شد؛ ولی اگر کسی تنها برای خدا و رضایت او قدم به ساحت زندگی مشترک بگذارد، این نیت الهی در تحکیم بنیان خانوادگی وی مؤثر خواهد افتاد.

2. رضایت خانواده از ازدواج

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده این است که هر دو خانواده به ازدواج فرزندانشان راضی باشند. هرچه این رضایت به لحاظ کمی و کیفی عمیق تر باشد، این ازدواج از ضمانت و کفالت بیشتری برخوردار خواهد بود. آثار سوء ازدواج های تحمیلی، از همان نخستین طلیعه ی ازدواج نمودار می شوند. این تحمیل ها گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم اند. چنان که گاهی خانواده ها به ظاهر فرزندانسان را از ازدواج منع نمی کنند، ولی آثار نارضایتی خود را در گوشه و کنار موهّدات ازدواج یا پس از آن نشان می دهند و این چنین زوجین به بی رغبتی خانواده های خود پی می برند و این معنا در روحیه ی زندگی مشترک آن ها (خودآگاه یا ناخودآگاه) تأثیر خواهد داشت. زندگی حضرت فاطمه (س) از این ضمانت محکم برخوردار بود و رضایت و خشنودی پیامبر (ص) از ازدواج فاطمه (س) با علی (ع) بر هیچ کس پوشیده نبود. پیامبر (ص) در همه ی مراحل زندگی این زوج، به عنوان یک عقل مجرب، از تداوم این ازدواج حمایت می فرمودند و در رفع مشکلات ایشان می کوشیدند.

3. عدم توجه به ارزش های باطل و دروغین در مراسم ازدواج

از دیگر عوامل مؤثر در استحکام خانواده، عدم توجه به ارزش های باطل و دروغین در مقدمات ازدواج، نظیر تعیین مهریه، تهیه جهاز، برگزاری مراسم ازدواج و... است. بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که گاه کدورت ها و مشکلات خانوادگی در همان سپیده دم زندگی مشترک به واسطه ی این برنامه ها و عدم توجه به

ارزش هاي واقعي در طي آن ها به وجود مي آيد.

علي (ع) در صداق ازدواجش، همه ي دارايش را به فاطمه (س) داد؛ زيرا همه ي دارايي وي، تنها يك زره بود و ما به ازاي آن تبديل به وسايل ضروري زندگي آن دو شد. جهاز فاطمه (س) هفده قلم (چادر، مقنعه، پيراهن، حصير، پرده، لحاف، متكا، ليوان گلين آب خوري، كوزه، كاسه گلي، آفتابه گلي، آسياب دستي، مشك، تشت، حوله، پوست گوسفند و...) بيش نبود. در تمامي مراسم ازدواج فاطمه (س)، مستحسنان و مستحبات الهي، نورافشاني مي نمودند. در مراسم وليمه، فقرا و اغنيا با يكدیگر دعوت شده بودند. تهليلات و تكبيرات به جاي غنا و لهو و لهب، زينت بخش مجلس عروسي فاطمه (س) بود و در ملازمات عقد، نظير مهر و جهاز و...، مراتب خلوص ديده مي شد. وقتي به علي (ع) طعنه زدند كه تو بافضيلت ترين و شجاع ترين مرد عرب هستي و مي توانستي دختر ثروتمندي را به عقد خود درآوري تا خانه ي تو را سرشار از جهاز نفيس كند، آن حضرت (ع) فرمود: «انا قوم نرضي بما قدرالله و لانريد الا رضي الله و فخرنا بالاعمال، لا بالاموال» (بحراني، بي تا: ج 11، ص 363)، «همانا ما گروهی هستیم كه به مقررات الهي رضايست داده ايم و جز رضايست خدا چيزي نمي خواهيم و افتخار ما نيز به اعمال نيكو است؛ نه به مال و ثروت» و وقتي به فاطمه (س) طعنه زدند كه تو همسر مرد فقيري شده اي كه هيچ مالي ندارد، آن وجود نازنين فرمود: «رضيت به فوق الرضا»، «من به علي (ع) راضي هستم و رضايست من از او فوق درجات رضايست است.» (مجلسي، 1404ق: ج 43، ص 97)

هنگامي كه پيامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: «من تو را به مهر چهارصد درهم به همسري علي درآوردم»، ايشان در پاسخ فرمود: «رضيت علياً و لارضي بصداق اربعمائه درهم»، «من به علي (ع) راضي هستم؛ ولي به چهارصد درهم مهرية راضي نيستم.» سپس رسول خدا (ص) از وي سؤال مي كند: «پس تو چه مهرية اي را طلب داري؟» آن حضرت (س) مي فرمايد: «من دل نگران امت توام؛ چه آن كه فكر شما نيز مشغول امت است» و آن گاه خداوند شفاعت امت محمد (ص) را به عنوان صداق عقد فاطمه (س) به وي تقديم مي فرمايد. (شيخ الاسلامي، 1377: ص 284)

چنان كه مشهود است، تمامي ارزش ها از نخستين طلعيه ي وصلت علي (ع) و فاطمه (س)، ارزش هايي الهي و راستين بوده است؛ در صورتي كه اين ارزش ها در كانون خانواده ي شيعيان ارج نهاده شود، بي شك ديگر شاهد زندگي هاي از هم پاشيده و نابسامان نخواهيم بود.

4. الهي بودن مراسم ازدواج

در تمام مراحل و موارد، مراسم ازدواج حضرت زهرا (س)، الهي بود. وليمه ي ازدواج، مبارك بود؛ چرا كه با آن فقيران مدينه را اطعام نمودند. فاطمه (س) با فرياد تكبير به خانه ي اميرمؤمنان (ع) مشرف شد و در ميانه ي راه پيراهن عروسي خويش را مسكين بخشيد. (مظاهري، 1372: صص 66-67) در روايت وارد شده است: «قال علي (ع)، قال لي رسول الله (ص)، يا علي اصنع لاهلك طعاماً فاضلاً، ثم قال: من عندنا الحم و الخبز و عليك التمر و السمن، ... ثم قال لي رسول الله (ص): ادع من احببت، فاتيت المسجد و هو مشحن بالصحابة، فاستحييت ان اشخص قوماً و ادع قوماً، ثم صعدت علي ربوة هناك و ناديت: اجيبوا الي وليمة فاطمه (س)، فاقبل الناس ارسالاً، فاستحييت من كثرة الناس و قلة الطعام، فعلم رسول الله مما تداخلني، فقال يا علي! اني سادعوالله بالبركة» (مجلسي، 1404ق: ج 3، ص 94)، «علي (ع) مي فرمايد كه رسول خدا (ص) به من فرمود: اي علي! براي اهل خود طعام بافضيلتي تدارك ببين و آن گاه فرمود: گوشت و نان از سوي ما و خرما و روغن از سوي

تو تهیه شود؛ سپس فرمود: «ای علی، برو و هر که را خواستی، دعوت کن.» من به مسجد آمدم؛ در حالی که مملو از صحابه بود و شرم کردم از این که گروهی را دعوت کرده و جمعی را واگذارم؛ از این رو ندا دادم: مردم! به ولیمه ی فاطمه (س) بشتابید و مردم پذیرفتند؛ من از کثرت مردم و کمبود طعام شرم کردم و پیامبر (ص) از آن چه بر من رفته بود، باخبر شد؛ فلذا فرمود: علی، من برای ولیمه ی تو به برکت یافتن دعا می کنم» و این چنین، نشانه های برکت، رحمت و ایمان از مراسم ازدواج الهی علی (ع) و فاطمه (س) هویدا بود.

فاطمه (س) در شب ازدواجش به جای اندیشه در ارزش های بی ارزش، به حقایق عالم هستی می اندیشید؛ تا آنجا که علی (ع) متوجه اشک های پرفروغ و پاک او شده و حال وی را جويا گشت. فاطمه (س) فرمود: «تفکرت فی حالی و امری عند ذهاب عمری و نزولی فی قبری فشبیهت دخولی فی فراشی بمنزلی کدخولی الی لحدی و قبری، فانشدک الله ان قمت الی الصلاة، فنعبدالله تعالی فی هذه الليلة...» (شافعی، بی تا: ص 295)، «در پیرامون حال و رفتارم فکر کردم و به یاد پایان عمر و منزلگاه دیگری به نام قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از این جا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. در این آغازین لحظه های زندگی، تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم و با هم این شب را عبادت کنیم.»

5. دعا و صدقه در ازدواج

دعا و صدقه از عوامل بسیار مهمی هستند که می توانند یک ازدواج را بیمه نمایند. دعا و صدقه در روایات و احادیث، به منزله ی سپری معرفّی شده اند که بلاها را دفع می نمایند. هیچ ازدواجی در این عالم محقق نمی شود، مگر این که در معرض بعضی بلیات جزئی یا کلی در اصل یا فروعاتش قرار می گیرد. استفاده از فرمول های غیبی که در باب آثار دعا و صدقه وارد شده است، می تواند حلال برخی از مشکلات اصلی و فرعی بنای ازدواج باشد. چنان که امام صادق (ع) می فرماید: «ما من قبض و لا بسط الا و لله فيه مشیة و قضاء و ابتلاء...» (کلینی، 1362: ج 1، ص 152)، «هیچ گشایش و تنگی ای وجود ندارد، مگر این که برای خداوند در آن اراده، قضا، امتحان و بلیه ای وجود دارد.»

البته مراد از بلا همیشه آفت نیست؛ بلکه حتی اگر در ازدواج رونق و گشایشی باشد، باز هم می توان آن را نوعی بلا دانست. «بلاء» نوعی اختبار و امتحان است و در نیک و بد استعمال می شود. جوهری در صحاح می گوید: «البلاء الاختبار یكون بالخير و الشر. یقال: أبلاه الله بلاء حسناً و ابتلیه معروفاً.» (رک. امام خمینی، 1371: ص 236)

در ازدواج حضرت فاطمه (س)، اثرات شریف دعا و صدقه هویدا است. هنگامی که جهازیه حضرت (س) را نزد پیامبر اکرم (ص) آوردند، اشک شوق از دیدگان مبارک ایشان جاری شد و دست به دعا برداشتند: «خدایا مبارک کن این جهازیه را که اغلب آن از گل است» و هنگامی که حضرت رسول (ص)، جواب مثبت فاطمه (س) را برای وصلت ایشان به دست آوردند، در طلیعه ی بشارت این وصلت تکبیر گفتند. علی (ع) می فرماید: «رسول خدا (ص) وقتی دخترش را به ازدواج من درآورد، نزد من آمد و فرمود: با نام خدا برخیز و این ذکر را بخوان: «علی برکة الله، ماشاءالله، و لاقوة الا بالله، توکلت علی الله...»، «بر سفره خدا می نشینم و راضی می شوم بر آن چه که او بخواهد؛ قدرت و قوتی نیست مگر از جانب خدا؛ پس به او توکل می کنم و یاری می طلبم.» سپس مرا در کنار فاطمه نشانید و گفت: «خداوندا! اینان محبوب ترین مردم در نزد من می باشند؛ آنان را دوست بدار و خیر و برکت به فرزندان آن ها عطا کن و آنان را از هر آسیبی حافظ باش، من آن ها و فرزندانشان را از شرّ شیطان فریبکار

به تو مي سپارم.» (شيخ طوسي، 1372: ج 1، ص 38)

هر صدقه ي جزئي، بعضي از آفات و سيئات پيرامون ازدواج را دور مي کند. متعالي ترين نماد اين صدقه، بخشش پيراهن عروسي حضرت زهرا (س) در شب زفاف آن حضرت، توسط ايشان بود. چنان که در روايت آمده است: «ان النبي (ص) صنع لها قميصاً جديداً ليلة عرسها و زفافها و كان لها قميص مرقوع و اذاً بسائل علي الباب، يقول: اطلب من بيت النبوة قميصاً خلقاً فارادت ان تدفع اليه القميص المرقوع، فتذكرت قوله تعالي (لن تنالوا البرّ حتي تنفقوا مما تحبون)[1] فدفعت له الجديد.» (شيخ الاسلامي، 1377: ص 282)، «رسول خدا (ص) براي عروسي حضرت فاطمه (س) پيراهن تازه اي تهيه کرد و جامه ي کهنه و وصله داري نيز نزد فاطمه (س) بود، در اين هنگام سائلي در زد و گفت: از خانه ي رسول خدا (ص) جامه اي کهنه مي خواهم. فاطمه (س) خواست که جامه ي وصله دار را به وي بدهد، ناگاه به ياد آورد که خداوند فرموده است: «هرگز به فضيلت نمي رسيد، مگر اتفاق کنيد از آن چه دوست داريد.» چنين بود که آن حضرت (س) جامه ي نو و جديد خود را به فقير بخشيد.»

6. اعتماد و اطمينان به دوام ازدواج

از ديگر عواملی که می تواند سبب تحکیم خانواده شود، این است که زوجین با يقين قدم در عرصه ي ازدواج بگذارند و بدانند که وصلت آن ها دائمي است و اطمينان داشته باشند که هرگز از هم جدا نخواهند شد. تشويش و بيم جدایی، گرمي و زلالي اطمينان را از دل و جان مي زداید و تزلزل اعتماد، سبب ظهور اولين رخنه ها در ديواره ي مستحکم نهاد خانواده مي شود.

همان طور که بيان گرديد، حضرت فاطمه (س) در اولين شبی که به همسري علي (ع) درآمدند، تعبيري را بيان داشتند که حکايت از يقين ايشان مي کند که از خانه ي علي (ع) جز با مرگ جدا نخواهند شد و جز مرگ نمی تواند در اجتماع و الفت اين دو خليل، خللي وارد آورد: «اي علي... من امروز از خانه ي پدر به خانه ي شما منتقل شدم و روزي هم از اين خانه به قبر و لحد، پاي خواهم گذاشت.» (دشتي، 1375: ص 35)

7. همسر را بهترين همسر دانستن

يکي از اصلي ترين محورها در تحکیم خانواده اين است که زن و شوهر دیدگاه مثبتي درباره ي يکديگر داشته باشند؛ هرچه اين دیدگاه مثبت تر و متعالي تر باشد، به همان ميزان هر دو از خوشبختي بيشتري در زندگي زناشويي برخوردار خواهند بود. اصلي ترين عاملي که رايحه ي رضايت مندي و خرسندي را در فضاي زندگي مشترک مي پراکند، سبزي و خرمي است که شاخسار بينش همسران نسبت به هم را بارور مي کند و زماني مودّت ميان زوجين تهديد مي شود که پنداشت و نظرگاه آن ها نسبت به همسري با يکديگر مخدوش شود و نخستين صاعقه اي که ديواره ي اعتماد و محبت بين همسران را مي شکافد، اين است که يکي از زوجين بپندارد که همسرش وي را لايق همسري خود نمي بيند و يکي از دو همسر يا هر دو، در اين اندیشه باشند که بهترين همسر را براي خود برنگزيده اند. اين پنداشت در ذهن هر يک از زوجين خلجان کند، موجب تلخ کامي و ناخرسندي در طرفين و البته تلخ تر و سنگين تر براي زوجي خواهد بود که مورد خسران قرار گرفته و مي داند که همسرش او را لايق نمي شمارد.

با الگوبرداري از زندگي مشترک و شکوهمند فاطمه (س)، مي توان اين معيار وزين را در تحکیم خانواده عرضه نمود که «همسر را بهترين همسر دانستن»، از اولين و اساسي ترين گام هاي مسير خوشبختي خانواده است.

شاهد این مدعی این است که پیامبر (ص) در طلّیعه ی زندگی علی (ع) و فاطمه (س)، نخست، دیدگاه آنان را نسبت به همسری با یکدیگر جویا می شود، آن گاه که از علی (ع) می پرسد: «همسرت را چگونه یافتی؟» جواب می شنود: «چه قدر او یاور خوبی در راه اطاعت خدا است» و زمانی که از فاطمه (س) سؤال می کند که «تو همسرت را چگونه یافتی؟» آن بانو در پاسخ می گوید: «علی (ع) بهترین شوهر است.»

آن چه که از تأمل و ژرف نگری در این اقوال شریف به دست می آید، این است که خوشبخت ترین و پاک ترین زوج های عالم، همدیگر را تنها لایق همسری خویش نمی دانستند، بلکه یکدیگر را لایق ترین همسر برای هم می دیدند. حضرت فاطمه (س) در جواب پدر فرمود: «بعل خیر»، «او شوهر خوبی است»؛ بلکه فرمود: «او بهترین شوهر است.»

وجود چنین دیدگاهی میان همسران نه تنها مایه ی خوشبختی، جبران فقدان ها و ملایمت مشکلات است، بلکه موجب پوشاندن نقایص هر یک از زوجین در نظر دیگری است و اگر این نگاه متعالی و زیبا متقابل باشد، لطف این زندگی به سرحد اعلائی کمال و بالندگی خواهد رسید.

عوامل تحکیم خانواده در جلوه های رفتاری و سیره ی حضرت زهرا (س)

الف) حسن سلوک با همسر

یکی از عوامل بسیار مهم و اساسی در زمینه ی تحکیم خانواده، تدبیر در حسن سلوک با همسر است. این مفهوم از مفاهیم پیچیده ای است که چندین مفهوم دیگر در تشکّل ساختار آن نقش آفرینی می کنند. نوعی فراست و کاردانی در تدبیر منزل و رفتار با همسر، می تواند از تعیین کننده ترین عوامل موفقیت در آیین همسرمداری به حساب آید. در این جا نمونه ای از ظرایف و لطایف جلوه های رفتاری و گفتاری فاطمه (س) در برخورد با همسر بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین (ع) بیان می شود تا در تحلیل جوانب و جزئیات این رفتار، گامی به سوی درک کاربردی مفهوم «فراست و تدبیر در حسن سلوک با همسر»، برداشته شود.

1. توجه به ظرایف روحیات همسر

یکی از عوامل استحکام بخش پیوندهای مودّت میان زن و شوهر این است که طرفین بتوانند حالات و روحیات یکدیگر را درک کنند. شاید هیچ عاملی به اندازه ی درک متقابل روحیات در زندگی خانوادگی، نمی تواند آرامش بخش و سازنده باشد. مهمترین عامل و سبب محبت نیز معرفت است (رک. فیض کاشانی، بی تا: ج 8-7، ص 201) و درک روحیه و شناخت ابعاد وجودی همسر، از تجلّیات معرفت به اوست. فاطمه (س)، علی (ع) را خوب می شناخت و بر روحیات او مشرف بود. در شرایطی که دیگران علی (ع) را درک نمی کردند و از جلوه های رفتاری وی سوء برداشت می نمودند، این همسر گرامی وی بود که او را می شناخت و برای دیگران رفع ابهام می کرد. چنان که در روایتی وارد شده است که یکی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) وی را در تاریکی های نخلستان تعقیب کرد و شاهد حالات عرفانی و راز و نیاز محیرالعقول او با معبود بود. در این میان، ناگهان مشاهده کرد که حضرت (ع) همانند چوب خشکی در زمین عبادتگاه خود فرو افتاد؛ پس از تأمل بیشتر به این گمان یا یقین رسید که علی (ع) از دنیا رفته است؛ هراسان به درب منزل او آمد تا این خبر را به فاطمه (س) بازگوید؛ آن بانوی جلیل القدر با معرفت و درکی که از روحیات علی (ع) داشت، دریافت که علی (ع) در حالت خوف

الهي بدان صورت درآمده است؛ فلذا فرمود: «... الغيشة التي تأخذه من خشية الله...» (ابن شهرآشوب، 1379: ص124)، «این حالتی است که به واسطه ی خشیت الهی بر وی عارض شده است.»

نمونه ی دیگری که از توجه حضرت زهرا (س) به ظرایف روحیات همسر بزرگوارشان حکایت دارد، ماجرای واپسین لحظات حیات نورانی آن حضرت (س) است. فاطمه (س) شدت دلبستگی همسرش، علی (ع)، را به خود می دانست و بر این مطلب آگاه بود که وی با وجودی که قلبی پهناتر از وسعت تمام هستی و استقامتی عظیم تر از استقامت کوه دارد ولیکن از دست دادن فاطمه (س) ممکن است وجود او را از هم بپاشد. از این جهت، در واپسین لحظات زندگی، با درک ظرایف روحی همسر، او را به نزد خود خواند و با زبان دلداری و دل آرامی، آرام آرام لحظات مرگ خود را برای وی توصیف کرد تا پذیرش مرگ خود را برای او آسان نماید. یکی از ظرایف مواجه نمودن افراد با مرگ عزیزان این است که این خبر آرام آرام و مرحله به مرحله به ایشان برسد و فاطمه (س) با درک لطایف روح علی (ع)، خود این مهم را برعهده گرفت.

در روایت آمده است که فاطمه (س) قبل از شهادت، رؤیای صادقه مبشره ای دید و برای آرام نمودن علی (ع)، او را به بالین طلبید و رؤیای خود را با او درمیان گذاشت و بدین وسیله او را از جهت روحی آماده نمود: «شبی که خداوند اراده ی قبض روح فاطمه (س) و اکرام روح او را داشت، فرارسید؛ حضرت فاطمه (س) همسرش را به بالین طلبید و فرمود: پسرعموی من، سلام بر شما، همانا این جبرئیل است که به سوی من آمده و بر من سلام می کند و می گوید: ای محبوبه ی حبیب خدا و میوه ی دل او، امروز تو در محل اعلی و جنت المأوی به او ملحق می شوی و آن گاه فرمود: جبرئیل از نزد من رفت. (پس از مکث و تأمل) حضرت فاطمه (س) دوباره فرمود: بر شما سلام باد و آن گاه خطاب به همسرش گفت: ای پسرعموی من، این میکائیل بود که همانند دوستش جبرائیل به من سلام کرد. (بعد از مکث و تأمل دیگری) دوباره فاطمه (س) جواب سلامی را داده و چشم هایش را کاملاً باز کرد و به همسرش گفت: ای پسرعموی من، به خدا قسم، به حقیقت این عزرائیل است که بال هایش را در مشرق و مغرب گشوده است و پدرم او را برای من چنین وصف فرموده است...» (سپهر، 1382: ص183) البته اخبار دیگری نیز، در باب لحظات آخر حیات فاطمه (س) وارد شده است ولیکن آن چه از این خبر در راستای مراد منظور نظر برداشت می شود، این است که فاطمه (س) با این لطایف و ظرایف سعی داشتند، خبر مرگ خود را با زیباترین و ملایم ترین صورت ممکن، به علی (ع) برسانند تا وی در معرض شنیدن خبر سهمگین شهادت ایشان، ازپای درنیاید.

پرهیز از تقاضای نامقدور

در زندگی مشترک، توجه به ظرایف روان شناختی که مربوط به روحیه ی مردانه یا زنانه است، در رأس مهمترین عوامل مؤثر در استحکام خانواده قرار دارد. علی (ع) هرچند یک انسان کامل و «کون جامع» بود، لکن در قالب آیتی مذکر، در این عالم ظهور کرد و در یکی از شئون امکانی خود، حائز مقام ریاست اقتصادی خانواده گردید. وجود فاطمه (س) نیز هر چند حاصل همه ی عظمت های لاهوتی بود، لکن در قالب آیتی مؤنث و تحت تکفل اقتصادی علی (ع) به سر می برد و یکی از جهات کمالیه ی زندگی مشترک این دو وجود مقدس، این بود که به ویژگی های زنانه یا مردانه یکدیگر توجه و دقت می فرمودند.

تقاضا نمودن امری از فردی که قادر بر انجام آن نیست، همیشه و همه جا سبب آسیب هر روحیه ای نمی شود؛ ولی به جهت شرایط خاصی که در زندگی مشترک و روحیه ی زن و شوهر وجود دارد، معمولاً اگر این تقاضا از

سوي زني در برابر همسرش مطرح شود و شوهر قادر بر پاسخ نباشد، نوع خاصي از احساس سرشکستگی را در خود خواهد يافت و اين واقعيت روح او را خواهد آزد.

آن چه از سطور نوراني زندگي خانوادگي فاطمه (س) به دست ما رسیده است، نشان دهنده ي اين حقيقت است که فاطمه (س) به اين معني توجه وافر داشته و اين نکته ي ظريف را همواره رعايت مي فرموده است؛ چنان که در تاريخ زندگي معصومانه اش آمده است:

«در يکي از روزها، صبحگاهان امام علي (ع) فرمود: فاطمه جان آيا غذايي داري تا از گرسنگي بيرون آيم؟ آن بانو (س) فرمود: نه، سوگند به خدايي که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزيد، دو روز است که در منزل غذايي کافي نداريم؛ امام علي (ع) با تأسف فرمود: فاطمه جان چرا به من اطلاع ندادي تا به دنبال غذا بروم؟ فاطمه (س) فرمود: «يا اباالحسن اني لاستحيي من الهي ان اکلف نفسي ما لا تقدر عليه» (اريلي، 1381: ج2، ص26)، «اي اباالحسن، من از پروردگار خود حيا مي کنم که چيزي را که تو بر آن توان و قدرت نداري از تو درخواست کنم.» هرچند که شأن صدور اين روايت درباره مسائل اقتصادي است، ولي تعميمي که در اين عبارت شريف وجود دارد، نشان دهنده ي اين معني است که در ساير امور و شئون نيز، رعايت اين مطلب امري مطلوب و پسندیده است.

استقبال از پيشنهاد همسر

يکي از عواملی که سبب می شود روحیه توادد و نشاط در زندگي خانوادگي ریشه دار شود و اعضاي خانواده در زیر آسمان صلح و صفا، به يکديگر حسّ نزديکي بيشتري پيدا کنند، اين است که از پيشنهادهاي يکديگر استقبال نمايند. فاطمه (س) در اين امر پيشتاز بودند. در روايتي آمده است: روزي تنگدستي و مشکلات بسيار بر علي ابن ابي طالب (ع)، فشار آورد تا آن جا که از فاطمه (س) خواست تا نزد پيامبر (ص) برود و از او چيزي بخواهد. فاطمه (س) خوب مي دانست که علي (ع) تا چه حد کتوم است و تا چه اندازه به او، حسن، حسين، زينب و کلثوم، شفقت دارد؛ لذا به محض آن که امام علي (ع) در قالب اين کلام محجوبانه (اگر به خانه پدرت رفتي، چيزي از او بخواه)، خواسته ي خود را با فاطمه (س) در ميان مي گذارد، فاطمه (س) درنگ نمي کند و در ساعتي غير متداول براي تسريع در اجابت خواسته ي همسر، به سوي منزل پدر مي شتابد و هنگامي که پيامبر (ص) درباره ي خواسته اش سؤال مي کند، فاطمه (س) بسيار حکيمانه و مدبرانه ابراز حاجت مي نمايد؛ وي به حاجت خود و به گفته علي (ع) تصريح نمي نمايد و مشکل خود را اين گونه با پدر در ميان مي گذارد: «غذاي فرشتگان، تهليل، تسبيح و تحميد است؛ پس طعام ما چه مي تواند باشد؟»

در اين سخن حضرت (س)، اشارتي به مقام فرشتگان نيز وجود دارد که اينان به طور دايماً در حال اطاعت محض اند و ملائک، عقول مجردي هستند که به هيچ يک از اطعمه و اشربه ي عوالم پايين تر، نيازي ندارند و ارزاق ايشان معنوي و از جنس ذکر، حمد و ستايش پروردگار است. حضرت فاطمه (س) از آن جا که با فرشتگان محشور بوده و با ايشان مراوده داشتند، با اذکار ايشان آشنا بودند؛ از اين رو به بعضي از اذکار آنان نيز اشاره مي نمايند. در زمانه و عصري که فرهنگ اوليه ي عرب، صراحت و بي پرديگي در گفتار بود و در برهنگي سخن افراط مي نمودند، اين نمونه عرض حاجت کردن، کمال فراست و ادب فاطمي را مي رساند.

پيامبر (ص) با ظرافتي خاص در ازاي درخواست متين فاطمه (س)، براي او از تعليم ذکر خاصي از سوي جبرئيل (س) خبر دادند که با رفع اين مشکل مناسبت دارد. حکمت و معرفت فاطمه (س) وي را وامي دارد که از پدر تمناي آن اذکار را نمايد. فاطمه (س) خوب مي دانست که اذکار و اسماي الهيه، کارکنان مطلق دار وجودند و هر

یک از آن‌ها مقتضیاتی دارند. حضرت فاطمه (س) این عبارت شریف را در این رابطه از پیامبر (ص) فرا می‌گیرند: «یا اول الاولین، یا آخرالآخرین، یا راحم المساکین و یا ارحم الراحمین.»

تدبیر و فراست فاطمه (س) در همسر داری، آن‌گاه نمود بیشتری پیدا می‌کند که ایشان پس از فراگرفتن این رمز و راز، با مسرت از خانه‌ی پدر به خانه‌ی خویش برمی‌گردد و برای علی (ع) این‌گونه حکایت ماجرا را باز می‌گوید که من برای دنیا رفتم و با متاع آخرت بازگشتم و این‌گونه با اشراف بر ظرایف روحی علی (ع)، خود را دست خالی نشان نمی‌دهد و به‌گونه‌ای حکیمانه و مدبرانه می‌خواهد که علی (ع) از عرض حاجت در برابر رسول خدا (ص)، شرم‌نده نشود. (رک. شیخ الاسلامی، 1377: ص216)

2. سازگاری با همسر

یکی دیگر از عواملی که سبب تحکیم خانواده می‌شود، این است که زوجین با یکدیگر توافق و سازش اخلاقی داشته باشند. مسلم است که وقتی زن و شوهر در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و در جمیع شئون زندگی، در وطن و سفر و در حال بیداری و در بستر با یکدیگر شریک می‌شوند، گاه اختلاف سلیقه‌هایی پیدا می‌کنند. برای آن‌که این اختلاف‌ها، اساس زندگی مشترک را خدشه دار نسازد و قلب همسران را از هم نرنجاند، باید به فرآیندی جهت سازش و توافق توسل کرد. در طی این فرآیند، هر یک از زن و شوهر از بعضی امیال، خواست‌ها و سلیقه‌هایشان برای احترام به نظر همسر خود، چشم‌پوشی می‌کنند. البته این امر، درباره‌ی وجود دو معصوم (س) با عامه‌ی مردم متفاوت است. با این وصف، علی (ع) در این زمینه درباره‌ی همسرش فاطمه (س) می‌فرماید: «ولاغضبتني ولاعصت لي امراً و لقد كنت انظر اليها فتتجلي عني الغموم و الاحزان بنظرتي اليها» (اخطب خوارزم، 1374: ص256)، «فاطمه (س) مرا به خشم نیاورد و مخالفتی با امر من نکرد و هر وقت نگاهی می‌کردم، تمام غم‌هایم زایل می‌شد.»

3. محبت و احترام نسبت به همسر

با احترام خطاب کردن همسر

یکی از رموز موفقیت در زندگی مشترک این است که در پاره‌ای از مسائل جزئی، فراست و دقت نظر اعمال شود. چنان‌که صدا کردن همسر، یک امر بسیار روزمره در زندگی خانوادگی است؛ در صورتی که این خطاب، احترام‌آمیز باشد، پژوهاکی از محبت و صمیمیت را در پی خواهد داشت.

وجود مبارک علی (ع) و فاطمه (س) در رعایت این نکته نیز، الگو و سرمشق بوده‌اند. آن‌بانوی بزرگوار، نام همسر خود را با احترام یاد می‌کرد. گاهی وی را با کنیه «ابالحسن» می‌خواند و گاهی با یاد قرابت نسبی (یا ابن عم) وی را ندا می‌داد و گاه با لقب شریف «یا امیرالمؤمنین» او را فرا می‌خواند و در گاه مؤانست و بعضی از موارد دیگر نیز از سر حکمت، وی را با نام مبارکش می‌خواند و گاه نیز با سایر القاب شریفه از او یاد می‌نمود.

نام بردن مناسب و زیبا خطاب کردن افراد، از شاه‌کلیدهای ارتباط مثبت برقرار کردن است. در فرآیند خطاب محترمانه، انرژی‌های مثبتی از وجود فرد احترام‌کننده به جانب فردی که مورد احترام قرار می‌گیرد، متصاعد می‌شود و طلیعه‌ی ارتباط را مصفاً و مبارک می‌گرداند و زمینه‌ی واکنش مثبت مخاطب را نیز فراهم می‌آورد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید: «اجملوا فی الخطاب، تسمعوا جمیل الجواب»، «خطاب‌هایتان

را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید.» (غرر الحکم، 1377: ص 435)

هرچند که در میان انبوه ارتباطات وسیع و گسترده ی زن و شوهر، خطاب نمودن همسر از ساده ترین جلوه های رفتاری و بسیط ترین فرمول های ارتباطی است و لکن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نحوه، نوع و لحن خطاب و آمیزه های احساسی انعکاس یافته در خطاب و بکارگیری اسماء و القاب مناسب برای مخاطب قراردادن افراد، تأثیر عمیقی در واکنش های عاطفی افراد بر جای می گذارد و زن و شوهر نیز جهت تحصیل خرسندی و رضایتمندی خاطر از یکدیگر، بیش از هر چیز به کنش ها و واکنش های عاطفی مثبت و مناسب نیازمندند؛ لذا باید به همین مسائل به ظاهر ساده، ولی مهم نیز توجه نمایند. به عنوان نمونه، فاطمه (س) هنگام شکایت مرگ پدر و مشکلات سیاسی همسرش را این گونه خطاب می فرماید: «یا ابن ابی طالب» (مجلسی، 1404ق، ج 8، ص 125) و با این خطاب، متذکر نسبت علی (ع) با پیامبر (ص) می شود و هنگامی که می خواهد خبر رحلت خود را به علی (ع) بدهد، ایشان را با خطاب «یا ابن عم» فرامی خواند تا متذکر نسبت خود و علی (ع) شود. (همان، ج 43، ص 191)

تواضع در برابر همسر

«معاشرت معروف» در روابط میان زن و مرد، یکی دیگر از پایه های تحکیم و دوام خانواده به حساب می آید. در حسن معاشرت زن با شوهر، عامل تواضع، عنصری چشمگیر و اساسی است. زن از عطوفت شوهرش لذت بیشتری می برد و مرد از محبت احترام آمیز زن، بیشتر محظوظ می شود. لیکن تواضع متناسب، از مواردی است که می تواند مرد را در زندگی خانوادگی، سرشار از رضایت خاطر و خشنودی نماید و به همه ی هستی او مراتب لذت همنشینی و انس با همسرش را بچشاند؛ زیرا مفهوم «قوامیت تکوینی شوهر بر زن» ایجاب می کند که رفتار زن با شوهر خاضعانه تر و رفتار مرد با زن دلسوزانه تر باشد. «همه ی افراد بشر درباره ی تعیین مرزهای زیبایی با یکدیگر هم رأی نیستند.» (رک. نیوتن، 1377) ولی تواضع مناسب از مفاهیمی است که در اکثر دوره های تاریخی و در بین اکثر اقوام، ملل و نژادها، مورد تکریم و احترام قرار گرفته است. امام صادق (ع) می فرماید: «ثلاثة یوجبن المحبة: حسن الخلق، حسن الرفق، و التواضع» (مجلسی، 1404ق: ج 2، ص 205)، «سه چیز محبت را بر جای می گذارد: خوش اخلاقی، خوب مدارا کردن و تواضع.»

حضرت فاطمه (س) با وجودی که کفو و هم تایی علی (ع) و دختر سرور کائنات است، در مقابل همسرش، تواضعی ستودنی دارد. به عنوان نمونه، وقتی در برابر شفاعت علی (ع) از خلیفه که برای عیادت او اذن می خواستند، قرار می گیرد، با این عبارت متواضعانه پاسخ می فرماید: «یا علی، البیت بیتک و انا امتک»، «علی جان، خانه خانه ی توست و من کنیز توام.» (بابازاده، 1376: ص 255)

ابراز و اظهار محبت به همسر

یکی دیگر از نکات بسیار قابل توجه در روابط میان زن و شوهر، اظهار محبت به همسر است. در بنیان خانواده هایی که با وجود عامل محبت از فرآیند اظهار محبت، به خوبی استفاده نمی شود، اندک اندک خدشه ها و خلل هایی به وجود می آید. دانستن محبت دو همسر به یکدیگر کافی نیست؛ شنیدن کلمات محبت آمیز از لوازم یک زندگی موفق زناشویی است. این نیاز متقابل زن و شوهر به اظهار محبت در مقابل یکدیگر، باید به بهترین نحو پاسخ گویی شود.

پیامبر (ص) درباره ی ابراز محبت مرد نسبت به زن می فرماید: «قول الرجل للمرأة اني احبك، لا يذهب من قلبها ابداً» (جرعاملی، 1367: ج 20، ص 23)؛ «هیچگاه این کلام شوهر که می گوید: «دوستت دارم»، از دل زن خارج نمی شود.»

زن نیز به طور متقابل باید به همسر خویش اظهار محبت نماید. در زندگی حضرت فاطمه (س)، عبارات محبت آمیز و احترام آمیز به علی (ع) بسیار است؛ از جمله ایشان در عبارتی خطاب به همسرشان در مقام اظهار محبت می فرماید: «روحي لروحك الفداء و نفسي لنفسك الوقاء» (حائری مازندرانی، 1374: ج 1، ص 196)، «روح من فدای روح تو باد و جان من سپر بلای جان تو باشد.»

4. حمایت و دفاع از همسر

یکی از مهمترین شاخصه هایی که می تواند در ژرفابخشی محبت و در نتیجه در استحکام خانواده مؤثر باشد، حمایت و دفاع از همسر است. مسلم است که در هر زندگی خانوادگی، زن و شوهر غیر از نقش همسری، در سایر روابط اجتماعی یا سیاسی و... نقش های دیگری نیز بر عهده دارند و هیچ قلعه و دژی مستحکم تر از قلعه ی خانواده نمی تواند مدافع یک انسان در سختی ها، آسیب های اجتماعی و... باشد. حمایت هر یک از زوجین از دیگری و تجلیل و قدردانی از تلاش ها و زحمات وی، از جمله ی این امور است.

حضرت فاطمه (س) هم مأموم علی (ع) بود و هم همسر وی و از آن جا که این بانو در همه ی خیرات و صالحات، پیشتازترین فرد امت محسوب می شد، در امر دفاع از ولایت نیز، والاترین جان فشانی ها را به ساحت کبریایی خداوند تقدیم کرد. یکی از نمونه های منقلب کننده ی دفاع فاطمه (س) از همسرش، در جریان است که علی (ع) را با اکراه و اجبار برای اخذ بیعت به مسجد مدینه می بردند. در روایت است که بانوی دو عالم (س)، برای دفاع از همسر به درب مسجد آمد و جلوه های به یاد ماندنی ای از ایثار و فداکاری از خویش در تاریخ بر جای گذاشت. برای نمونه، این فراز شریف از وی در یآوری علی (ع) نقل می شود: «فوالله یا سلمان لاخلي عن باب المسجد حتي اري ابن عمي سالماً بعيني» (شیخ مفید، 1374: ص 181)، «به خدا سوگند ای سلمان، از درب مسجد مدینه پا بیرون نمی گذارم تا آن که پسرعموی خود را با چشمان خودم سالم ببینم.»

فاطمه (س) در یکی از فرازهای حمایت هایش از علی (ع) می فرماید: «ما الذي نقموا من ابي الحسن؟... والله لو تكافوا عن زمام نبذه رسول الله (ص) اليه لاعتلقه و لسا بهم سيراً سجعاً و لا يكلم خشاشه... و لم يكن يتحلّ من الغني بطائل و لا يحظي من الدنيا بنائل غير ريّ الناهل...» (طبرسی، 1380: ج 1، ص 147)، «چرا به شوهرم، امیرالمؤمنین (ع)، توجهی نکردید؟... اگر مردان شما به او جفا نمی کردند و اجازه می دادند او بر کرسی بر حق خود بنشیند، او به سویی شما حرکت می نمود و با آرامش تمام، مرکب خلافت را سالم به مقصد نهایی می رسانید و هیچ رنج و زحمتی هم متوجه کسی نمی شد... و خود نیز از آن سوء استفاده نمی کرد و جز اندازه ی نیاز از آن بهره مند نمی شد...»

همچنین فاطمه (س) در تبلیغ ولایت علی (ع) می فرمود: «انّ السعيد، كلّ السعيد، حق السعيد، من احب علياً في حياته و بعد مماته...» (زیدبن علی، بی تا: ص 458)، «سعادت و رستگاری، همه سعادت ها و رستگاری ها و حقانیت رستگاری ها از آن کسی است که علی (ع) را در دوران زندگی و پس از شهادتش دوست داشته باشد.» در روایت دیگری آمده است که حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) را شبانه بر مرکبی می نشاند و در مجالس انصار می گردانید تا از آن ها تقاضای یاری نماید. «فكانوا يقولون: يا بنت رسول الله (ص)،

قد مضت بیعتنا لهذا الرجل... فقالت فاطمه (س): ماصنع ابوالحسن الا ماكان ينبغي له، و لقد صنعوا ما الله حسبيهم و طالبهم» (اميني، 1379: ج 5، ص 372)، «انصار به حضرت فاطمه (س) مي گفتند: اي دختر رسول خدا (ص)، بيعت ما با اين مرد گذشته است. حضرت فاطمه (س) مي فرمود: ابوالحسن کاري را انجام مي دهد که سزاوار اوست و مردم نیز عملي را انجام دادند که خداوند از آن ها حساب مي کشد و از آن ها (حق ابوالحسن) را مطالبه مي نمايد.»

5. زينت ظاهر و باطن براي همسر

يکي از اصول حاکم بر خانواده ي آرمانی، آراستگی ظاهر و باطن همسران براي یکدیگر است. علي (ع) مي فرمايد: «جمال الباطن، حسن السريرة» (غرر الحکم، 1377: ص 41)، «زیبایی باطن، در حسن نیت و زیبایی درون است.» دل و جان فاطمه (س)، در کمال حسن نیت، خلوص و صمیمیت نسبت به همسر بزرگوارش بود و حسن سریره ي او جمیل ترین زیبایی های باطني را در برابر چشمان مبارک علي (ع) به تماشا مي گذاشت.

بايد توجه داشت، چنان که فردي از نعمت جمال ظاهر برخوردار نباشد، اولاً با هنرمندی و ظرافت خاصی مي تواند به آراستگی و حسن خویش بیفزاید؛ ثانیاً با ظرایف و طرایفی که در جلوه گری های رفتار عقلي خود طراحی مي کند، مي تواند به حسن سلوک و جمال باطن دست یابد. به عنوان مثال، لبخند زینت چهره است؛ امیرالمؤمنین (ع) مي فرمايد: «التبسم، حباله المودة» (نهج البلاغه، کلمات قصار)، «تبسم ریسمان دوستي است.» نگاه مهربان، زینت چهره است و مي تواند بر جمال ظاهر و باطن بیفزاید. گشادگی چهره و بشاشیت وجه نیز، نوعي زینت چهره است. در روایت، یکی از خصوصیات زنان با فضیلت، درخشندگی چهره معرفي شده است: «افضل النساء امتي اصبحن وجهاً...» (کلینی، 1362: ج 5، ص 324)

شادمانی باطني و رضایت خاطر نیز، نوعي صباحت و درخشش در چهره ایجاد مي نماید و وجه را زیباتر و مزین تر مي نماید. نور ایمان، چهره را هرچند نازیبا باشد، زینت مي دهد و دوست داشتنی مي کند. امام حسن عسکری (ع) درباره ي «حسن»، سخن بلندی دارد. ایشان حسن را به دو قسم ظاهر و باطن تقسیم کرده و مي فرمایند: «حسن الصورة، جمال ظاهر و حسن العقل، جمال باطن» (مجلسی، 1404ق: ج 1، ص 32)، «زیبایی چهره، جمال ظاهري است و جمال و نیکویی خرد و اندیشه، سرمایه ي آراستگی باطن است.»

خداوند انسان را به حب جمال مفلور نموده است؛ فلذا گرایش به زیبایی و جمال، از گرایشات و تمایلات فطري و مستحسن انسانی است و زیباپسندی از خواسته های طبیعی بوده و با سرشت انسان ممزوج است. از این رو، در همه ي جوامع و تمدن ها و بین همه فرهنگ ها، جلوه های زیبا دوستی و جمال پرستی مشاهده مي شود. زینت و آراستگی لباس و چهره سبب مي شود، زیبایی های طبیعی رونق گرفته و با جلوه ي بیشتری بدرخشند. این امر در روابط بین زن و شوهر، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.

در سیره ي امامان معصوم (ع)، مشاهده مي شود که ایشان براي نماز، زیارت مؤمنین، حضور در بعضي از مجالس مانند مجلس درس و براي همسران خویش، متناسب با زمان و مکان و شرایط، به آراستگی ظاهر و زینت جمال خود توجه مي نمودند. امام حسن مجتبی (ع) در این رابطه مي فرمايد: «ان الله جمیل و یحب الجمال، فأتجمل لربي و هو یقول: خذوا زینتکم عند کل مسجد...» (کلینی، 1362: ج 6، ص 438)، «همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من بدین جهت براي پروردگارم خود را آراسته مي کنم و خداوند در این رابطه مي فرمايد که براي رفتن به هر مسجدی زینت کنید.»

حضرت فاطمه (س) به عنوان زینت و استحباب، انگشتري به دست مي کردند و از قول رسول خدا (ص) انگشت را تبليغ مي فرمودند: «قالت فاطمه (س)، قال رسول الله (ص): من تخطم بالعقيق لم يزل يري خيري» (حرعالملي، 1367: ج3، ص40)، «هرکس انگشتري عقيق به دست کند، همواره خير مي بيند.»

سنت خداوند جميل اين است که در دايره ي خلقت، نقش و نگار هستي را با زيبايي ها زینت مي نمايد؛ چنان که مي فرمايد: «ولقد جعلنا في السماء بروجاً و زیناها للناظرين» (حجر، 16)، «و به يقين ما در آسمان برج هايي قرار داديم و آن را براي تماشاگران آراستيم.»

قرايني در زندگي حضرت فاطمه (س) وجود دارد که نشان مي دهد اين بانوي بهشتي، سعي مي نمودند در محيط خانه و خانواده، عطرآگين و آراسته باشند و موهبت زيبايي و جمال بي مثالي را که خداوند به ايشان ارزاني داشته بود، با زینت و تجمل، جلا و شکوهي ديگر بخشيده و آن را براي اميرالمؤمنين (ع) عرضه نمايند. در اين جهت، حضرت زهرا (س) هميشه در نزد خود عطر نگه مي داشتند. ام السلمه مي گويد: «از ريحانه ي پيامبر (ص) عطر خواستم و گفتم: سرورم! آيا عطر و بوي خوشي نزد خويش داريد: ايشان فرمود: آري و بي درنگ شيشه ي عطري آورد و اندکي از آن را بر کف دستم ريخت. بوي خوشي از آن برخاست که هرگز به مشام نرسيده بود.» (مجلسي، 1404ق: ج43، ص95) حضرت فاطمه (س) حتي در واپسين لحظات زندگيش به اسماء فرمود: «هاتي طيبي الذي انتطيب به» (اريلي، 1381: ج2، ص62)، «عطر مرا که هميشه خود را با آن عطرآگين مي نمودم، بياور ...» اميرمؤمنان (ع) در اشاره به آراستگي ظاهر و باطن فاطمه (س) مي فرمود: «و لقد كنت انظر اليها، فتتكشف عني الهمم و الاحزان» (مجلسي، 1404ق: ج43، ص134)، «هرگاه به او مي نگريستم، همه ي ناراحتي ها و غم هايي برطرف مي شد.»

ب) صبر و بردباري

صبر ملکه اي قلبي است که سبب مي شود فرد بر تحمل مکروهات و سختي ها توانا شود. هرچه صدر، از وسعت بيشتر و ايمان از تعالي والاتري برخوردار باشد، صبر و بردباري نيز فزوني خواهد يافت. برگزیدگان خدا و خاصان درگاه او، در طي چند روزي که در دنيا ميهمان ضيافت ابتلائات خداوندند، به انواع سختي ها و انحاي محنت ها و بليّات آزمایش مي شوند و اين گوهر صبر و بردباري ايشان است که آن ها را در معبر عبور از سختي ها ياري مي کند.

وجود نازنين حضرت فاطمه (س) نيز، از آن جا که اخصّ عارفين و موحدین بود، از ابتدای دوره ي کودکي تا شهادت، همواره در معرض انواع ناملايمات و رنج ها قرار داشت. در زندگي فاطمه (س) نيز، صبر و بردباري ويژه اي وجود داشت. يکي از عناصر اصلي موفقيت در حيات خانوادگي، استفاده از کيمياي صبر است. در هر خانواده اي که عنصر صبر آسیب ببيند، بناي محبت و استحکام نيز آفت خواهد پذيرفت. نظر به زندگي حضرت فاطمه (س)، مي تواند راهکارها و الگوهائي عملي براي بردباري در برابر مشکلات در محيط خانه و خانواده را فرا راه همه ي خانواده ها بگشايد. فاطمه (س) در سنين پايين با علي (ع) پيمان ازدواج بست و از ميان خواستگاران متعدد، علي (ع) را با وجود فقر و تهی دستي ايشان برگزيد. رؤس موارد صبر و شکیبائي حضرت فاطمه (س)، در حسن همسرداری و همراهي با علي (ع) را مي توان در پنج محور زير برشمرد:

1 صبر و تحمل در برابر فقر علي (ع).

2 تحمل سرزنش ها.

3 تحمل سختي هاي کار منزل و خدمت خانه.

4 شکيبايي و تحمل مشکلات فراوان در زمان غيبت هاي طولاني حضرت اميرالمؤمنين (ع) (در طول جنگ هاي صدر اسلام)

5 شراکت در غم علي (ع) و تحمل رنج هاي او و مشارکت در صبري وي.

درباره ي صبر و شکيبايي حضرت (س) در برابر مشکلات، نمونه ها و شواهد تاريخي فراواني در دست است. آن حضرت (س) مشکلات اقتصادي را تحمل مي نمود و نزد کسي افشا نمي کرد؛ گاه رسول خدا (ص) مصرّانه از ايشان احوال پرسی مي نمود، آن گاه ايشان به گوشه اي از آلامش اشاره مي فرمود. روايت است، روزي در پاسخ پدر فرمود: «اصبحنا و ليس في بيتنا شئ يذوقه ذائقي و انا لنحمدلله تعالي» (مجلسي، 1404ق: ج35، ص252)، «پدر جان، صبح کردیم، در حالي که در خانه ي ما چيزي نيست تا با آن رفع گرسنگي بنماييم و ما در هر حال خدای بزرگ را سپاسگزاريم.»

آن حضرت (س) درباره ي اثاثيه و لوازم منزل خود و علي (ع)، با پدرش اين گونه دردودل مي نمود: «اني و ابن عمي ما لنا فراش الا جلد و كبش ننام عليه باليل و يعلف عليه ناصحنا بالنهار»، «من و پسر عمويم هيچ فرشي نداريم؛ مگر يك پوست گوسفند که شب ها بر روي آن مي خوابيم و روزها بر روي آن شتر خود را علف مي دهيم.» رسول گرامي (ص) نيز پاسخ فرمودند: «اصبري...» (همان، ج14، ص197)، «صبر و تحمل داشته باش.» فاطمه (س) به جهت انتخاب زندگي فقيرانه ي علي (ع)، مورد سرزنش فراوان قرار مي گرفت؛ ولي در برابر اين سرزنش ها صبر مي فرمود. در روايتي از امام صادق (ع) از جابر بن عبدالله انصاري نقل شده است که روزي رسول خدا (ص)، به خانه ي دخترش، فاطمه (س)، وارد شد و او را در حالي ديد که در نتيجه چشمان مبارکش پر از اشک گرديد؛ زيرا لباس آن حضرت (س) بسيار نامناسب بود. زهرا (س) در آن حال از يك طرف مشغول آرد کردن جو و تهيه ي نان بود و از طرف ديگر به فرزندش شير مي داد. پيامبر (ص) پس از مشاهده ي آن حالت، به ايشان فرمود: دختر عزيزم، اين گونه تلخي ها را در دنيا براي رسيدن به پاداش ها و شيريني هاي اخروي پذيرا باش و صبر و بردباري را از دست نده و آن بانوي بزرگوار در پاسخ پدر فرمود: يا رسول الله! خدا را حمد مي کنم در برابر نعمت هايش و شکر مي کنم در برابر نعمتهايش. (رک. ابن شهر آشوب، 1379: ج3، ص343)

ج) تشويق همسر به اتيان خيرات

يکي ديگر از مواردی که می تواند سبب تحکيم بنياد ازدواج شود، اين است که زن و شوهر در راه اتيان خيرات، يار و مشوق هم باشند. به تعبير ديگر، آن دو هم چون مسافراني که در راه خير با يکديگر همسفر شده اند، همواره يکديگر را به خوبي ها و کمالات تشويق نمايند؛ اين امر اگر با شرايط و ضوابط انجام پذيرد، مؤثرترين تشويق محسوب مي شود.

از مواردی که تجلی عبوديت و تدبير منزل فاطمه (س) را نشان می دهد، اين است که ايشان همسر خود را در انجام امور خير تشويق می فرمودند. اين تشويق ها به صورت هاي مختلف و انحا ي گوناگون انجام می پذيرفت. اين بانوي با عظمت، همسر زندگي اش را که پيشتازترين مرد ميدان خيرات و حسنات بود، به خوبي درک می نمود و هرچند که علي (ع) احتياجي به تشويق در انجام خيرات نداشت، ليکن کلمات دلنشين فاطمه (س)، وي را در راه استقامت بر انواع خيرات، دلگرمي می بخشيد. حضرت فاطمه (س) با علي (ع) به گونه اي احترام آميز سخن می گفت و او را به اطاعت و اظهار فضائل فرامي خواند؛ تا آن جا که علي (ع) درباره ي او می فرمود: «نعم

العون علي طاعة الله...» (مجلسي، 1404ق: ج43، ص133)، «فاطمه (س) بهترين ياور براي اطاعت پروردگار است» و نيز فاطمه (س) به علي (ع) مي فرمود: «اني زوجتك اقدم امتي سلفاً و اكثرهم علماً و اعظمهم حلفاً...» (كراجكي، 1410ق: ص121)، «من با تو ازدواج كردم، در حالي كه تو پيشتازترين فرد امت من در اسلام و عالم ترين آن ها بودي و در بردباري و حلم نيز والاترين فرد امتي»

مسلم است كه اين گونه كلمات دلنشين از دلدار و دل آرام علي (ع)، ايشان را تا چه اندازه به بردباري، صبر و... فرامي خواند. فاطمه (س) تا اندازه اي با علي (ع) در خيرات و حسنات هماهنگ بود كه علي (ع) وي را ركن خود خواند و بعد از وفات وي فرمود: «وقتي رسول الله (ص) از دنيا رفت، من يك ركن خود را از دست دادم و هنگامي كه فاطمه (س) به شهادت رسيد، دومين ركن خود را نيز از دست دادم.» (مجلسي، 1404ق: ج43، ص173)

د) حفظ مراتب حجاب

رواج عفت عمومي، رعايت حجاب و حفظ حريم لازم در روابط زن و مرد، از ديگر عوامل است كه نقش به سزايي را در حفظ بنيان خانواده از تزلزل و در نهايت فروپاشيدگي، ايفا مي كند. چنان چه در جامعه اي، روابط و مرزهاي توصيه شده در اسلام خلط شوند، حق و باطل درهم مي آميزد و در نهايت بنياد خانواده ها مورد تهديد و خطر قرار مي گيرد.

حضرت فاطمه (س) به عمق اهميت مسأله ي حجاب و عفاف و حفظ حريم در روابط با نامحرم آگاه بودند؛ تا آن جا كه يكي از مهمترين پيام هاي فاطمي «حفظ حجاب، بهترين زينت زن» است: «از حضرت علي (ع) روايت شده است: روزي خدمت حضرت رسول (ص) نشسته بوديم؛ ايشان فرمود: بهترين زينت براي زنان چيست؟ هيچ كدام از اهل مجلس پاسخ ندادند و از هم متفرق شدند. من به نزد فاطمه آمدم و جريان سؤال پيامبر (ص) را براي او نقل كردم و در ضمن گفتم: هيچ كدام از ما به رسول الله (ص) پاسخ نگفت. حضرت فاطمه (س) فرمود: من جواب اين سؤال را مي دانم. بهترين زينت از براي زنان اين است كه هيچ مرد ي آنان را نبيند و آنان نيز هيچ مرد ي را نبيند. من به نزد رسول خدا (ص) برگشتم و گفتم: اي رسول خدا (ص)، بهترين زينت زن اين است كه هيچ مرد ي او را نبيند و او هم هيچ مرد ي را نبيند. حضرت (ص) فرمود: اين جواب را از كجا آورد ي؟ گفتم: اين جواب فاطمه (س) است. حضرت (ص) فرمود: فاطمه به راستي پاره اي از وجود من است.» (رك. شيخ الاسلامي، 1377)

عقيده ي حضرت فاطمه (س) در باب حجاب و تحفظ از بيگانه، داراي شرافت و عظمتي وصف ناشدني و مرتبتي متعالي است. حضرت موسي بن جعفر (س) از پدران خويش و ايشان از حضرت علي (ع) چنين نقل کرده اند: «مرد ي نابينا از حضرت فاطمه (س) اجازه خواست كه به خانه ي او وارد شود، حضرت فاطمه (س) خود را پوشانيد. رسول خدا (ص) پرسيد: چرا از او حجاب كردي؟ وي فرمود: اگر او مرا نمي بيند، من او را مي بينم و علاوه بر اين، اين مرد نابينا بو را نيز استشمام مي نمايد.» (مجلسي، 1404ق: ج43، ص91)

ه) تقسيم كار در خانواده

يكي از اصول لازم و ضروري خانواده ي موفق، تقسيم مناسب و منصفانه ي مسئوليت ها در خانه و خانواده است. پيوند مودّت و محبّتي كه بين زن و مرد در خانواده به وجود مي آيد، در صورتي مستدام و مستحكم باقي مي ماند كه علت محدثه ي آن دوام يابد. علاقه و مودت ميان زن و شوهر، علل و وجوه متفاوتي دارد. يكي از علل

آن، این است که هر دو انسانند و این علاقمندی همنوع به همنوع، یکی از وجوه علاقه ی میان همسران است. بعد دیگر علاقمندی، در صورتی محقق می شود که زن و مرد، هر دو دارای روحیه ی دیانت و ایمان باشند؛ در این صورت، روحیه ی اخوت دینی نیز وجه دیگر علاقمندی زن و شوهر به یکدیگر را تشکیل می دهد. هرچه مشابهت و تفاهم روحی افراد بیشتر باشد، جاذبه ی تکوینی حب تشابه، مزید این عطوفت و مودت خواهد بود. از دیگر ابعاد محبت و مودت میان زن و شوهر این است که هر کدام از آن ها، پدر یا مادر فرزندان یکدیگرند و وجود فرزند و علقه ای که هر یک نسبت به وی دارند، می تواند عامل دیگری در استحکام بنیان خانواده باشد. امر مهم دیگری که سبب می شود بنیان خانواده تحکیم شود و علاقمندی زن و مرد به یکدیگر فزونی یابد، همکاری متقابل آن ها برای گرداندن امر معاش و فروع آن است. این عامل هم چنان که می تواند یک عامل مثبت قلمداد شود، گاه نیز می تواند به عنوان یک عامل مخرب عمل کند.

مطالعه و بررسی در زمینه ی آسیب شناسی خانواده، محرز می نماید که اگر تقسیم کار عادلانه و منصفانه ای در محیط خانه و خانواده برقرار نشود، خانواده از مرز تعادل خارج می شود و خروج از ثغور اعتدال، گامی به سوی ویرانی و تزلزل خانواده است.

یکی از معیارهای تقسیم کار عادلانه این است که شئون و ویژگی های مسلم جسمی و روحی زن و مرد در این امر، مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد. مسلم است که توجه به لطافت و ظرافت روحیه ی زن و شرافت امر ورع و تحفظ وی از اجنبی و حفظ مراتب بالای حجاب و عفاف، مقتضی است که وی بیشتر پذیرای امور داخلی محیط خانه و خانواده باشد و امور مربوط به خارج از محیط خانه، به مرد واگذار شود.

البته باید در نظر داشت، این تقسیم کار، تقسیم اولیه ای برای احراز امر معاش است و همکاری مرد در داخل خانه می تواند تحت عناوین مثبت دیگری مورد تأکید واقع شود و هم چنین کار زن در خارج از خانه نیز، تحت شرایطی خاص و با رعایت ضوابطی ویژه، می تواند مورد مقبولیت قرار گیرد.

تقسیم عادلانه کار در محیط خانواده، خود نمونه ای از رعایت عدالت اجتماعی در نهاد کوچکی از اجتماع است. یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده این است که تعیین مسئولیت ها، سبب تقسیم و تخفیف سنگینی بار تکالیف شود و این همکاری متقابل، موجبات تحکیم پیوند مودت بین زن و شوهر را فراهم آورد.

نظر به زندگی فاطمه (س) نشان می دهد که این تقسیم کار در خانه ی ایشان به نحو احسن انجام گرفته بود. امام باقر (ع) فرموده اند: «حضرت فاطمه (ع)، کارهای منزل را با حضرت علی (ع)، این گونه تقسیم کردند که خمیرکردن آرد، نان پختن، تمیزکردن و جارودن خانه به عهده فاطمه (س) باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع آوری هیزم و تهیه ی مواد اولیه غذایی را علی (ع) انجام دهد.» (دشتی، 1375: ص 168) امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده اند: «تقسیم کار با رهنمود رسول خدا (ص) انجام گرفت؛ وقتی آن حضرت (ص) بیان داشت که کارهای داخل منزل را فاطمه (س) و کارهای بیرون منزل را علی (ع) انجام دهد، فاطمه (س) با خوشحالی این گونه فرمود: «فلا یعلم ما داخلني من السرور، یا کفائی رسول الله (ص) تحمل رقاب الرجال» (نوری طبرسی، 1401ق: ج 13، ص 48)، «جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا (ص) مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.»

ظرایف بیانات معصومانه ی فاطمه (س) در همه ی زمینه ها، می تواند ابوابی از معرفت را برای صاحبان دقت و تأمل باز نماید. ابراز خشنودی و مسرت دخت گرامی پیامبر (ص) از این تقسیم کار و ظرایف بیانات ایشان در این باره نشان دهنده ی این است که در این نوع تقسیم کار، به زن تحیت و مرهمتی شده است. به بیان دیگر،

سپردن مسئولیت و شغل خانه داری به زن و رفع تکلیف امور خارج از خانه از عهده وی، نوعی تکریم و ارزش برای وی محسوب می شود.

اگر بنا باشد، با الگوپذیری از حضرت فاطمه (س) در باب تحکیم خانواده، گام هایی برداشته شود، یکی از مهمترین گام ها با احترام نگرستن به شغل خانه داری و تربیت فرزند است که نوعی سرافرازی و مرحمت به زن را در پی خواهد داشت.

مطلب دیگر آن که برخی می پندارند که همکاری مرد در انجام کارهای منزل رجحانی ندارد و به این بهانه، از یاری دادن همسر در کارهای منزل، تعلل و مسامحه می ورزند؛ در حالی که روایات فراوانی وجود دارد که نشان می دهد امیرالمؤمنین (ع) هرگاه برایشان مقدور بود، فاطمه (س) را در انجام کارهای خانه یاری می رساندند. امام صادق (ع) می فرماید: «کان امیرالمؤمنین یختطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز» (حرعاملی، 1367: ج 12، ص 24؛ ج 14، ص 164)، «جدم امیرالمؤمنین (ع) (در انجام کارهای خانه) هیزم جمع می کرد، آب می کشید و می آورد و خانه را جارو می زد و حضرت زهرا (س) نیز جوها را آرد می کرد و سپس خمیر می نمود و آن گاه نان می پخت.»

کلمه ی «یکنس» در این عبارت نشان می دهد که حضرت امیر (ع) علاوه بر کارهای بیرون از منزل، در کارهای داخل خانه نیز با حضرت فاطمه (س) همکاری می فرمودند. در حدیثی دیگر وارد شده است: «روزی رسول خدا (ص) وارد خانه دخترش فاطمه (س) شد و مشاهده کرد که امیرالمؤمنین (ع) در کنار او نشسته و با او در آرد کردن نان کمک می کند، ایشان پس از سلام و تحیت فرمودند: کدام یک خسته ترید تا من جای او نشسته و به آرد کردن بپردازم؟ علی (ع) فرمود: یا رسول الله، دخترت فاطمه...» (مجلسی، 1404 ق: ج 42، ص 50) در خانه ی حضرت فاطمه (س) علاوه بر آن که امور مربوط به خانواده، بین اعضای خانه تقسیم شده بود، کارهای منزل نیز بین حضرت فاطمه (س) و خادمه ی آن حضرت تقسیم شده بود.

تأملی ژرف بر آن چه در این نوشتار از سیره و سنت دخت گرامی پیامبر (ص)، حضرت فاطمه زهرا (س) بیان شد، جلوه هایی از خانواده ای شایسته و به حق آرمانی را بر دیدگان صاحبان بینش می نماید و بالاخره نوشتار حاضر بر این مدّعاست که عالی ترین طریق وصول به کمال اندیشیدن، زیستن و سلوک آسمانی، تأسی به این افعال، اقوال و تقریرات است و البته مراد مذکور زمانی به نحو احسن و اکمل محقق خواهد شد که زمینه ی معرفت کامل به آداب و سنن «مکتب فاطمی (س)» فراهم آید و آن چه در این طریق، مشکل و مانع می نماید، عدم جامعیت تقریرات، روایات و اطلاعات لازم است. نوشتار مذکور، با پذیرش موانع موجود و قلت روایات مربوط، بر آن بوده است تا حدّ مقدور، خطوط اساسی و راهگشای معرفت به اصول خانواده ی مطلوب و آرمانی را برای صاحبان تأمل، ترسیم نماید.

فهرست منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

«غررالحکم و درر الکلم»، گردآورنده: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1377.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی: «مناقب آل ابی طالب»، تهران، ذوی القربی، 1379.

اخطب خوارزم، موفق بن احمد: «مناقب خوارزمی»، تهران، برهان، 1374.

اربلي، علي بن عيسي : «كشف الغمه في معرفة الاثمه»، تهران، اسلاميه، 1381.

اميني، عبدالحسين: «الغدير»، بيروت، دارالكتاب العربي، 1379.

بابازاده، علي اكبر: «تحليل سيره فاطمة الزهراء»، بي جا، انصاريان، 1376.

بحراني، عبدالله: «عوامل العلوم»، قم، مدرسه الامام المهدي (عج)، بي تا.

حائري مازندراني، مهدي: «كوكب الدرر»، قم، مكتب الحيدريه، 1374.

حر عاملي، محمدبن الحسن: «وسايل الشيعة»، تهران، اسلاميه، 1367.

خميني، روح الله: «اربعين حديث»، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، 1371.

دشتي، محمد: «نهج الحياة»، قم، مؤسسه تحقيقاتي اميرالمؤمنين (ع)، 1375.

زيد بن علي: «مسند زيدبن علي»، بيروت، منشورات دارالمكتبة الحياة، بي تا.

سپهر، محمد تقی: «ناسخ التواريخ»، تهران، اسلاميه، 1382.

شافعي، شيخ محمدبن داوود البازلي: «غاية المرام في رجال البخاري»، بي جا، بي نا، بي تا.

شيخ بهايي، محمد بن حسين: «مفتاح الفلاح»، قم، دارالكتب الاسلامي، 1411ق.

شيخ الاسلامي، حسين: «مسندفاطمة الزهراء»، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1377.

طبرسي، احمدبن علي: «احتجاج»، قم، الشريف الرضي، 1380.

طوسي، محمدبن حسن: «امالي»، قم، دارالثقافه، 1372.

فيض كاشاني، محسن: «محجة البيضاء»، تهران، دفتر انتشارات اسلامي، بي تا.

قيومي، محمدجواد: «صحيفة الزهراء»، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، 1374.

كراجكي، ابو الفتح: «كنزالفوائد»، قم، مكتب المصطفوي، 1410ق.

كليني، محمدبن يعقوب: «اصول كافي»، تهران، نور، 1362.

كوفي، فرات بن ابراهيم: «تفسير فرات الكوفي»، تهران، وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامي، مؤسسه الطباعة و النشر، 1410ق.

مجلسي، محمدباقر: «بحارالانوار»، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1404ق.

مظاهري، حسين: «مجموعه مقالات الزهراء»، بي جا، بي نا، 1372.

مفيد، محمدبن محمد: «اختصاص»، قم، جامعه المدرسين، 1374.

مهاجر، عبد الحميد: «واعلموا اني فاطمه»، بيروت، دارالكتاب و العترة، 1413ق.

نوري طبرسي، حسين: «مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل»، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، 1401ق.

نيوتن، اريك: «معني زيبايي»، پرويز مرزبان، تهران، انتشارات علمي- فرهنگي، 1377.

پي نوشت ها :

* - دانش آموخته دكترای عرفان، عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

[1] - آل عمران، 92.